

سخن سردبیر

مقاله‌نویس یا روان‌شناس

دکتر نعمت‌الله موسی‌پور سردبیر محترم فصل‌نامه مطالعات برنامه درسی در شماره ۲۵ تابستان ۱۳۹۱ نشریه خود در بخش سخن سردبیر، از تب مقاله‌نویسی و پدیده‌هایش می‌نالد و به جامعه علمی هشدار می‌دهد که تلاش علمی، اخلاق پژوهش، تخیل سازنده، بردباری در هدف‌جویی، ایجاد فرصت تأمل و تمامی دیگر لوازم علم‌جویی، در جامعه علمی ما ارزش دیوژنی^۱ یافته‌اند. اما از آن تاریخ به امروز تب مقاله‌نویسی در جامعه دانشگاهی نه تنها کمتر نشده است، که عطش سیری‌ناپذیر چاپ مقاله در تمامی رشته‌ها و گرایش‌ها و مقاطع تحصیلی در دانشجویان، دانش‌آموختگان و مدرسان دانشگاه چندین و چند برابر شده است. در این میان گروه‌های روان‌شناسی دانشگاه‌های مختلف کشور، فارغ‌التحصیلانی در مقاطع مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکترا به جامعه تحویل می‌دهند که نه از دانش روان‌شناسی به طور عمیق برخوردارند و نه از شم و هنر روان‌شناسی بهره‌ای برده‌اند؛ که بیشتر مقاله‌نویسند و فقط برجسب پرمطراق روان‌شناس را در جامعه به یدک می‌کشند و به رتق و فتق امور روانی مردم می‌پردازند.

در حال حاضر در شرایطی قرار داریم که سالانه صدها و هزاران دانشجو در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا در گرایش‌های مختلف روان‌شناسی در دانشگاه‌های مختلف پذیرفته و فارغ‌التحصیل می‌شوند؛ سالانه صدها و هزاران پایان‌نامه در دانشگاه‌های مختلف دولتی و غیردولتی کشور در گرایش‌های مختلف روان‌شناسی دفاع می‌شود و به جامعه علمی تحویل داده می‌شود که بیشتر آنها یا تکرار مکررات است، یا داده‌سازی توسط افراد سودجو است، و یا به جای حل مسئله‌های موجود، تولید مسئله و مسئله‌سازی و یافتن پاسخ برای آنها است. در این میان عده‌ای از آب گل‌آلود به خوبی ماهی می‌گیرند و دکان‌هایی با برجسب‌های مقاله‌نویسی، کمک به انتشار مقاله‌های شما با کمترین هزینه و زمان، پایان‌نامه‌نویسی و رساله‌نویسی، تحلیل‌های آماری پیشرفته، فوق‌پیشرفته و مافوق‌پیشرفته، مشاوره در امر پژوهش و ... هر روز بیشتر از دیروز در جامعه گسترش پیدا کرده‌اند و افراد پژوهشگرنمای سودجو به جامعه علمی رسوخ پیدا کرده و ارزش علم و پژوهش را به سخره گرفته‌اند.

آری، تنور مقاله‌نویسی در بین دانشجویان روان‌شناسی هر روز داغ‌تر و داغ‌تر می‌شود و حتی به سراغ دانشجویان مقطع کارشناسی نیز آمده است و دانشجویان ما در هر مقطع تحصیلی که باشند بدون غور کردن در یک حیطه علمی و تخصص یافتن در آن رشته، به نوشتن مقاله و حتی کتاب مبادرت می‌ورزند. در این شرایط است که دانش‌آموخته‌ای کتاب و چندین مقاله مثلاً در حوزه اختلال‌های اضطرابی، افسردگی، وسواس، اوتیسم، نارسایی توجه، و یا حیطه‌های دیگر منتشر می‌کند ولی در تمام عمر خود به مشاهده بالینی یک فرد با این اختلال‌ها نپرداخته است و عملاً راهبردهایی در کتاب و یا مقاله خود به جامعه ارائه می‌دهد که خود حتی قادر به بکارگیری یک مورد آنها نیست.

اما تا چه حد دانشجویان و دانش‌آموختگان ما مقصّرند؟ دانشجوی مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و یا حتی دکترای روان‌شناسی دانشگاه‌های ما که به جای این که در دانش و مهارت و هنر روان‌شناسی عمیق و عمیق‌تر گردد از ابتدا به دنبال تقویت رزومه علمی

۱. یعنی علم و دانش تحسین می‌شود اما مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.

پژوهشی خود است تا چه حد مقصر است؟ در فضایی که از شرایط قبولی و ورود به مقطع دکترا گرفته تا بورس و جذب شدن به عنوان هیئت علمی دانشگاه و استخدام از مرحله قراردادی به آزمایشی و رسمی و ارتقا به مراتب علمی بالاتر فقط با فیلتر یا ملاک کمی تعداد مقاله و کتاب سنجیده می‌شود، تا چه حد دانشجو و دانش آموخته مقصر است؟ و تا چه اندازه تصمیم‌گیرندگان اصلی جامعه علمی مقصرند؟ نتیجه این گونه ارزیابی این است که دانشجو و یا دانش آموخته ما برای ورود به مقطع و مرتبه بالاتر علمی، پول هنگفتی به دارالترجمه و دیگر دکان‌های مطرح شده می‌پردازد و در کمترین زمان ممکن مقاله‌ها و کتاب‌های متعددی روانه بازار علمی می‌کند بدون این که خودش از محتوای آن کتاب‌ها آگاهی داشته باشد. آری این نتیجه ارزنده‌سازی بیش از حد چاپ مقاله و کتاب از نظر کمی و نازنده‌سازی بیش از حد کیفیت آثار منتشر شده است.

البته تبعات این مسئله تنها به تحویل افراد غیرمتخصص به جامعه ختم نمی‌شود. بدیهی است بیشتر کسانی که در گیرودار چاپ و نشر چنین مقالاتی گام‌های بلندی را برداشته‌اند و به اکتساب مدارج و اخذ مدارک علمی پرطمطراق پرداخته و ظاهراً نردبان ترقی را طی نموده‌اند، پراعاتر در جامعه رشد و نمو نموده و با توجه به این که در کشورهای در حال توسعه مردم به شدت به ظواهر و عناوین توجه می‌کنند، جایگاه این قشر در جامعه پراوازه‌تر می‌گردد. نباید از یادآوری این موضوع غافل بود که یکی از معضلات اجتماعی که جوامع در حال توسعه و به خصوص کشورمان با آن مواجه است، فساد اداری بوده که آثار زیان‌بار آن از چشم کسی پوشیده نیست و به نظر نگارنده این سطور، قطعاً کسانی که از لابلای این مقالات و اخذ مدارک عالی ناشی از این مقالات و کتاب‌ها به مشاغل حساس دست می‌یابند، آسان‌تر می‌توانند روزنه‌های فساد اداری را پیدا کرده و دستی بر آتش داشته باشند. بالطبع قشری که راه میانبر را برای کسب مدارک علمی انتخاب نموده و از آموخته‌های کسب‌نکرده و نداشته خود حاصلی نبرده‌اند در تمامی مراحل زندگی می‌توانند از این راه نزدیک استفاده کرده و به امیال و آرزوهای خود دست یابند و چه بسا راحت‌تر گام‌های ترویج فساد در ادارات را هموارتر سازند و طی طریق نمایند.

فرار مغزها، قاچاق کالا، نارضایتی‌های اجتماعی، بیکاری، فروپاشی خانواده‌ها و ده‌ها اثر زیان‌بار دیگر از آثار ناشی از فساد اداری در کشورهاست که شاید آغاز آن تنها از توان کسانی برمی‌آید که اولین گام‌های نادرست را از راه دست بردن در پژوهش‌ها و مقالات علمی آغاز کرده و با چاپ و نشر آن، نامی را برای نانی به دست آوردند.

در این میان فراموش نکنیم که برخی اوقات ارزش علمی و کیفی و کاربردی یک مقاله یا کتاب از یک پژوهشگر برجسته متعهد از نظر علمی و اخلاقی ده‌ها برابر بیشتر از صد الی دویست مقاله آن پژوهشگری است که با رایزنی با مجله‌های مختلف به انتشار آثار خود پرداخته است و کمترین اطلاعی از محتوای آثار منتشر شده خود ندارد! و هر روز با افتخاری میان‌تهی به شمارش مقاله‌های خود می‌پردازد و عطش او نه سیراب؛ که سیری‌ناپذیرتر می‌گردد. البته باید یادآور شد که پژوهشگران، روان‌شناسان و استادان دلسوز و متعهد از نظر علمی و اخلاقی در جامعه روان‌شناسی ما از این نوشته مستثنی هستند و تعدادشان بسیار زیاد است.

دکتر عباسعلی حسین‌خانزاده

دانشیار روان‌شناسی دانشگاه گیلان